

گوادلوپ

○ هدایت‌الله بهبودی

کم نیستند نواحی گم‌نامی که به واسطه رخداد‌های تاریخی، نامشان بر سر زبانها افتاده، شهرت جهانی یافته‌اند: فین کن اشتاین (محلّی در لهستان)، چالدران (روستایی در ایران)، گوادلوپ (جزیره کوچکی در شرق دریای کارائیب) و...

نام گوادلوپ (Guadeloupe) در دگرگونیهای سیاسی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار شنیده یا خوانده می‌شود. بیشتر منابعی که به رویدادهای سال ۱۳۵۷ ایران پرداخته‌اند، به نشست پنجم ژانویه ۱۹۷۹ / ۱۵ دی ۱۳۵۷ در این جزیره، اشاره کرده‌اند. در آن روز جیمی کارتر رئیس‌جمهور امریکا، جیمز کالاهان نخست‌وزیر انگلستان، والرئ ژیسکارداستن رئیس‌جمهور فرانسه و هلموت اشمیت صدراعظم آلمان غربی، سران چهار کشور متحد بلوک غرب، در گردهم‌آیی غیررسمی، درباره موضوعات سیاسی - اقتصادی جهان گفت و گو کردند. از آن جمله بود؛ ایران، انقلاب اسلامی و موقعیت محمدرضا پهلوی.

ایران در آستانه گوادلوپ

نیمه اول دی ماه ۱۳۵۷ در ایران، بخشی از دوره‌ای است که نظام سلطنتی در سراسیمه فروپاشی بود و درمانهای سیاسی، تأثیری در بهبود او نداشت. اعتصابها همه‌اندام جامعه را فراگرفته بود. از کارکنان گمرک دوغارون در شمال شرقی خراسان گرفته تا کارگران پتروشیمی

گوادلوپ

گوادلوپ (جزیره کوچکی در شرق دریای کارائیب)

ویرانه‌ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

مشاوران شاه هنوز امید داشتند مردم به حمایت از شاه علیه مخالفین رژیم قیام کنند... در حالی که درست برخلاف این نظر، تمام کارمندان و کارگران اعتصابی تصمیم داشتند تا روزی که شاه مملکت را ترک نکرده، کماکان به اعتصاب خود ادامه دهند.^۳

پیش از همه اینها ویلیام سولیوان سفیر امریکا در تهران، روز ۹ نوامبر / ۱۸ آبان در گزارشی با عنوان «فکر کردن به آنچه فکر نکردنی است» زنگ خطر سقوط شاه را برای کاخ سفید به صدا درآورد و در ۲۰ دسامبر / ۲۹ آذر پس از ملاقات با رئیس دولت نظامی، غلامرضا ازهاری و شنیدن حرفهای او با قاطعیت به دولتمردان کشور متبوع خود نوشت که «سقوط شاه غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد».^۴ بررسی موقعیت سیاسی - اقتصادی ایران در این برهه، توجه به خواسته‌ها و مطالبات داخلی، و نیز مرور یادداشت‌هایی که ناظران از این دوره به جا گذاشته‌اند، نشان‌دهنده سقوط حتمی محمدرضا پهلوی در آینده نزدیک بود. نشست سران چهار کشور امریکا، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه در گوادلوپ در چنین شرایطی ترتیب یافت.

در گوادلوپ چه گذشت

خبرگزاریهای امریکایی نخستین خبرها را از گوادلوپ منعکس کردند؛ هر یک از دیدگاه خود. تفاوت در خبرهای ارائه شده نشانگر تعدد منابع کسب خبر، عدم تصمیم‌گیری در این نشست، و برداشتهای هر خبرنگار از این نشست بوده است. یونایتد پرس نوشت: «کنفرانس غیررسمی سران امریکا، آلمان [غربی]، فرانسه و انگلستان با توافق در مورد نیاز ابرقدرتها به تشنج‌زدایی پایان یافت، اما اعلام شد که دست آنها در کشمکشهای محلی بسته است. آشوب در ایران، سقوط کامبوج و خشونت بالقوه در افریقای جنوبی از مباحثی بود که مورد توجه قرار گرفت. در مورد این قبیل کشمکشهای منطقه‌ای، سران غرب تصمیم به عدم مداخله گرفتند و دیپلماسی زور مردود شناخته شد. در نتیجه شاه ایران در حالی که چشم به راه پاسخ ایالات متحده امریکاست، باید خود سرانجام تصمیم بگیرد که بماند یا برای تعطیلاتی برود که ممکن است منجر به پایان سلطنتش گردد. امریکا به خاطر مخالفت‌های فزاینده و همه جانبه ایرانیان نمی‌تواند از او حمایت کند.»^۵ این خبر با اینکه با محتوایی نادرست تنظیم شده^۶، حداقل نشان می‌دهد که سران چهار کشور غربی، فقط برای موضوع ایران کنار هم نشستند. حتی یک نظامی عالی‌رتبه امریکا بعدها گفت که «هدف جلسه بحث درباره تقویت بنیه دفاعی اروپا از طریق استقرار موشک‌های کروز و پرسننگ بود.»^۷ خبرگزاری آسوشیئیدپرس نیز خبر داد که «در کنفرانس سران امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان [غربی] راههای جلوگیری از نفوذ فزاینده شوروی به خلیج فارس بررسی شد. هر چهار کشور بر این عقیده بودند که اگر در مثلث ترکیه، اتیوپی و افغانستان تسلط شوروی افزایش یابد، موازنه قدرت در جهان بر هم

ماهشهر در جنوب غربی خوزستان، دست از کار کشیده بودند. دانشگاهها عموماً تعطیل بود و استادان مراکز آموزش عالی تحت تأثیر شهادت دکتر کامران نجات‌اللهی و تحصن استادان دانشگاه تهران در دبیرخانه دانشگاه، اعتراضات خود را نشان می‌دادند. برخی از مراکز پزشکی و بیمارستانها و پزشکان در اعتراض به تهاجم مأموران مسلح به بیمارستان شاه‌رضا (امام رضا) که منجر به کشته و مجروح شدن عده‌ای گردید، در تحصن و اعتصاب به سر می‌بردند. تقریباً همه دبیرستانهای کشور تعطیل بود و تلاش دولت برای بازگشایی مدارس در اوایل دی ماه با شکست مواجه شد و رأی به تعطیلی مجدد آنها داد. در این بین اعتصاب کارگران و کارکنان صنعت نفت همچنان سنگین‌ترین وزنه اعتراض بر کرده حکومت شاه بود. هر چند تهدیدها و گاه تطمیع‌های مسئولان شرکت نفت توانسته بود استخراج نفت را در اوایل دی ماه به بیش از سه میلیون بشکه در روز برساند، اما ترور پل‌گریم، کارشناس عالی‌رتبه امریکایی در صنعت نفت ایران که روز دوم دی ماه در اهواز کشته شد، به همراه استعفای دستجمعی بیش از چهارهزار تن از کارکنان و کارگران بخش نفت در همین روزها، صدور نفت را از جزیره خارک متوقف کرد. مطبوعات همچنان در اعتصاب به سر می‌بردند. با ناکارآمدی دولت نظامی غلامرضا ازهاری در غلبه بر بحران پیش رو، اجماع برای روی کار آمدن دولت جدید از چهره‌های میانه‌رو در دستور کار حکومت قرار گرفته بود و گزینه نخست برای اجرای این دستور، غلامحسین صدیقی بود. تلاشهای صدیقی در جذب یاران و هم‌ردیفان گذشته‌اش از جبهه ملی، برای تشکیل دولت با شکست رو به رو شد و ادامه این تلاش به ظاهر رهایی بخش به شاپور بختیار سپرده شد. تصمیم به خروج شاه از کشور قطعی شده بود. اگر راه پیماییهای بزرگ روزهای نوزدهم و بیستم آذر ۱۳۵۷ (تاسوعا و عاشورا) که در همه شهرهای بزرگ برگزار شد، همه‌پرسی ملت ایران تلقی شود، قاطبه مردم خواستار سرنگونی نظام شاهنشاهی و برپایی جمهوری اسلامی بودند. آگاهی از نظر برخی ناظران سیاسی در این مقطع (نیمه اول دی ماه) به آشنایی بیشتر با اوضاع ایران کمک می‌کند. آنتونی پارسونز، سفیر انگلستان در تهران به این نتیجه رسیده بود که «دیگر به آخر خط رسیده بودیم و دیگر فرصتی باقی نمانده بود.»^۱ پرویز راجی، سفیر ایران در لندن نیز در یادداشت‌های هشتم دی ۱۳۵۷ می‌نویسد: «راستی چند روز دیگر پشت این میز باقی خواهیم ماند؟ بعد از آن چه خواهیم کرد؟ آیا به ایران برگردم که اوضاعش اصلاً برایم قابل تصور نیست و خود را در چنگال سرنوشته نامعلوم گرفتار کنم؟ یا اینکه همین جا در لندن بمانم و به عنوان یک نفر پناهنده سیاسی و فراری از دست هم‌وطنان کینه‌توز به زندگی خود ادامه دهم؟»^۲ فریدون هویدا، سفیر ایران در سازمان ملل متحد، نیز می‌نویسد: «در آغاز سال جدید [میلادی] ایران اوضاعی به کلی نوامید‌کننده داشت... در چنین وضعیتی قصر شاه به صورت یک مرکز خیال‌بافی درآمده بود و



سران چهار کشور آمریکا، انگلیس، آلمان غربی و فرانسه در اجلاس گوادلوپ

رویدادهای ایران به بحث و گفت و گو پرداخته اند. اطمینان دارم در آن هنگام تصمیم گرفته بودند که دیگر شاه از این مرخصی بازنگردد.^{۱۵} و یا خود محمدرضا پهلوی که مدعی است در گوادلوپ سران کشورها در مورد اخراج او از ایران توافق کردند.^{۱۶} واقعیت این است که تمایل به نبود شاه بیش از همه، ابتدا از طرف مردم ایران درخواست شد. واقعیت بعدی نیز آن است که محمدرضا پهلوی خود موضوع خارج شدن از کشور را برای نخستین بار با ویلیام سولیوان مطرح کرد و بدان تمایل نشان داد. سولیوان می نویسد: «شاه به من گفت که در نظر دارد مدتی به بندرعباس برود... چند روز بعد گفت که مایل است به جزیره کیش برود... یک بار هم حرف عجیبی زد و گفت چه طور است سوار کشتی بشود و مدتی در آبهای بین المللی به سیر و سیاحت پردازد... ولی سرانجام در اواخر ماه دسامبر (اواخر آذر، اوایل دی) که به کلی ناامید شده بود تصمیم گرفت برای مدت نامعلومی از ایران خارج شود.»^{۱۷}

بنابراین می توان گفت:

۱- نشست گوادلوپ که با شرکت سران چهار کشور متحد غربی صورت گرفت، به موضوعات متعددی پرداخت که از آن جمله موضوع ایران بود.

خواهد خورد.» این خبرگزاری در ادامه با اشاره به نکته ای از قول منابع آگاه، خبر از حمایت کامل غرب از محمدرضا پهلوی دارد. «منابع آگاه گفتند در میان مطالبی که در کنفرانس سران مورد بحث قرار گرفت، این مسائل از همه مهم تر بود: کودتای افغانستان و یمن جنوبی به نفع هواداران مسکو، شوروی را در وضعی قرار داده که در ایران، بتواند اعمال نفوذ کند؛ ایران بدون شاه ناآرام و بی ثبات خواهد بود؛ دست کشیدن ایران از محافظت از خلیج فارس سبب خلائی خواهد شد که مسکو و دوستانش و حتی با وجود مخاطره پایداری غرب حاضرند آن را پر کنند.»^۸

در خبر روزنامه فرانس سوار از نشست گوادلوپ، لب مباحث مطرح شده درباره ایران خودنمایی می کند که همانا حفظ منافع غرب در ایران است؛ چه شاه باشد و چه نباشد. «رهبران اروپایی در مذاکرات گوادلوپ فاجعه سقوط بازار ایران و همچنین قطع طولانی صدور نفت ایران به غرب را تشریح کرده و تذکر داده اند که کشورهای غربی نباید رابطه خود را با آینده ایران قطع کنند و در برابر تحولات کنونی ایران باید روشی در پیش گیرند که بر اساس آن بتوانند با رژیم جدید ایران رابطه حسنه و همکاریهای اقتصادی داشته باشند.»^۹

هر چند از این خبر برمی آید که سران اروپا به منافع خود در ایران بدون شاه می اندیشیدند و به قول سولیوان رهبران سه کشور غربی، رئیس جمهور آمریکا را قانع کردند که راهی برای نجات شاه نمانده و غرب باید برای حفظ منافع حیاتی خود در این منطقه حساس چاره ای بیندیشد،^{۱۰} اما در حاشیه نشست گوادلوپ، آمریکا برای حفظ سلطنت شاه، چراغ سبز و قوع کودتایی را به شاه نشان داد^{۱۱}؛ حتی کارت تلویحاً به این موضوع در گوادلوپ اشاره کرد: «ما احساس نگرانی نمی کنیم. زیرا ارتش و نظامیان هستند. آنها قصد دارند بر اوضاع مسلط شوند.»^{۱۲} برژینسکی در یادداشتهای خود، غیرمستقیم، بی عرضگی شاه و نظامیان را عامل عدم تحقق کودتا می داند.^{۱۳} بررسی جزئیات مطرح شده در نشست گوادلوپ چه از قلم رسانه ها و چه از زبان سران شرکت کننده، نشان می دهد که آنان تصمیمی در مورد ایران نگرفتند. هم تناقضات نهفته در خبرهای ارسالی از گوادلوپ چنین نتیجه ای به دست می دهد و هم سخنان مطرح شده بین سران چهار کشور. آنان، هم دست از حمایت از شاه کشیدند و هم بر حمایت همه جانبه از او تأکید کردند! جیمی کارتر در خاطرات خود می گوید که سه کشور اروپایی پشتیبانی چندانی از شاه نمی کردند، جیمز کالاهان کار شاه را تمام شده توصیف کرد و ژیسکار دستن گفت که در حال حاضر باید از شاه پشتیبانی کنیم.^{۱۴}

ناشایانه ترین نظریات در مورد نشست گوادلوپ از آن کسانی است که گمان می کنند سر نوشت شاه در آنجا رقم خورد. از آن جمله است اشرف پهلوی که می گوید «بعدها فهمیدم سران کشورهای آمریکا، فرانسه، بریتانیای کبیر و آلمان غربی در گوادلوپ گردهم آمده و درباره

۲- این نشست غیررسمی بود، یعنی پیش از آنکه توافق یا تصمیمی در آن گرفته شود، یا توافق نامه ای نگاشته، به امضا برسد، مربوط به طرح دیدگاهها و آگاهی از نظریات یکدیگر بوده است.

۳- در نشست گوادلوپ تصمیمی در مورد ایران گرفته نشد. شاید مهم ترین گواه آن، متن یادداشت‌های دو سفیر امریکا و انگلستان در ایران است. سفیر انگلستان، آنتونی پارسونز، کوچک ترین اشاره ای به برپایی این نشست نمی کند و سفیر امریکا، ویلیام سولیوان در دو - سه سطر که از آن یاد می نماید، تأکیدی بر اهمیت گوادلوپ ندارد.

۴- در مقطعی که نشست گوادلوپ برگزار شد، همه ناظران به سقوط قریب الوقوع محمدرضا پهلوی اذعان داشتند؛ حتی دولتمردان و سران چهار کشور متحد غربی، اما از هر اقدامی برای حفظ وضع موجود در ایران، یعنی بقای شاه و سلطنت او دریغ نداشتند. در این بین امریکایی میل به وقوع کودتا در ایران نبود.

۵ - بزرگ نمایی گوادلوپ و گره زدن سرنوشت شاه به آن نشست، در واقع کوچک نمایی مبارزات مردم برای به کرسی نشاندن خواسته های آنهاست که مهم ترینش پاک شدن نقش شاه از ایران بود.

پانوشتها:

- ۱- پارسونز، آنتونی، غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۳، ص ۱۷۴.
- ۲- راجی، پرویز، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه ح. امهران، تهران، اطلاعات، چ دهم، ۱۳۷۴، صص ۳۶۵-۳۶۴.
- ۳- هویدا، فریدون، سقوط شاه، ترجمه ح. امهران، تهران، اطلاعات، چ چهارم، ۱۳۷۰، ص ۱۹۹.
- ۴- سولیوان، ویلیام، مأموریت در ایران، ترجمه محمود شرقی، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۱، صص ۱۴۴-۱۴۳.
- ۵- اطلاعات، ش. ۱۵۷۵۴ (۱۸ دی ۱۳۵۷)، ص ۸.
- ۶- خبر یونایتدپرس با دو دروغ همراه است. اول، عدم مداخله در کشمکشهای داخلی کشورها از جمله ایران است. تشکیل نشست گوادلوپ، هم زمان بود با ورود ژنرال هایزر به ایران. این ژنرال عالی رتبه امریکایی که آن زمان معاون فرمانده کل نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، بود، حداقل به انکای خاطرات خود نگاشته اش، حضوری مداخله جویانه در جهت نجات محمدرضا پهلوی و حکومت او ایفا کرد. دوم، تصمیم شاه برای خروج از کشور است که این تصمیم پیش از این با توصیه امریکا گرفته شده بود. شاه در این زمان منتظر بود مجلسین شورا و سنا به دولت بختیار رأی اعتماد بدهند و سپس از کشور خارج شود.

گوادلوپ

- ۷- ژنرال هایزر، مأموریت مخفی در تهران، ترجمه محمدحسین عادل، تهران، رسا، ۱۳۶۵، ش، ص ۴۷۲.
- ۸- اطلاعات، ش. ۱۵۷۵۶ (۲۰ دی ۱۳۵۷)، ص ۶.
- ۹- طیرانی، بهروز، روزشمار روابط ایران و امریکا، تهران، ۱۳۷۹، ش، ص ۲۷۳.
- ۱۰- مأموریت در ایران، ص ۱۵۸.
- ۱۱- ر.ک: اسرار سقوط شاه و گروگانگیری- خاطرات برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، ترجمه حمید احمدی، تهران، جامی، ۱۳۶۲، صص ۷۸-۸۱.
- ۱۲- نجانی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ش، ص ۲۱۵.
- ۱۳- اسرار سقوط شاه...، صص ۷۸-۸۱.
- ۱۴- تاریخ سیاسی...، ج ۲، صص ۲۱۵-۲۱۴.
- ۱۵- چهره هایی در یک آینه، خاطرات اشرف پهلوی، ترجمه هرمز عبداللهی، تهران، نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۷۷.
- ۱۶- تاریخ سیاسی...، ج ۲، ص ۲۱۶.
- ۱۷- مأموریت در ایران، ص ۱۳۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی